

# هو الله - ای دو یاد گار دو نفس بزرگوار، حضرت...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (171) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء،  
جلد 3، صفحه 407

( 171 )

بواسطه آقا میرزا محسن زائر علیه بهاء الله الابهی جناب میرزا عبدالحسین سلیل سید محسن و جناب عبدالوهاب  
ناجی نجل سید محسن علیهما بهاء الله الابهی

## هو الله

ای دو یاد گار دو نفس بزرگوار حضرت عبدالمجید و حضرت سید محسن این دو نفس مبارکرا آنچه ستایش کنم  
حقیقت اینست که از عهده بر نیایم هر دو را جمال مبارک تبلیغ فرموده بنفحات روح القدس زنده شدند و در  
عراق چون جبل راسخ ثابت و رزین و رصین بودند یک منقبت حضرت عبدالمجید را ذکر مینمایم پسرش  
عبدالوهاب شمع اصحاب بود و برقی ساطع از سحاب در سفر اول حضرت مقصود بعراق عرب بشرف لقا فائز  
پسر استدعای هدایت پدر نمود حضرت عبدالمجید بمجرد تشرف بحضور رب غفور مانند شمع برافروخت و بایمان  
فائز و چون جمال قدیم مراجعت بطهران فرمودند بمیرزا عبدالوهاب امر کردند که چون پسر وحیدی باید در  
نزد پدر بمانی و چنانست که همسفر با من باشی و چون حضرت مقصود بطهران رجوع فرمودند ایامی نگذشت



ORIGINAL

که نائره عشق در قلب آن جوان چنان شعله زد که صبر و قرار نماند پدر بزرگوار گفت ای پسر هر چند مرا نور بصری و حیات جان پروری آنی تحمل فرقت تو ندارم ولی نمیتوانم این پروانه را از شمع آفاق محروم نمایم فوراً عزم طهران کن آن جوان رقص کمان وارد طهران گشت و بجزرد ورود دستگیر شد و بنیر زنجیر رفت زیرا واقعه موله شاه واقع و در سجن مبارک بشرف لقا فائز شد بعد از چند روز میر غضب وارد زندان شد و آن معدن اسرار را پهای دار دعوت کرد آنجوان نورانی برخاست و رقصی در نهایت سرور در پیشگاه حضور نمود بعد دست مبارکرا بوسید و با یاران مسجون دست در آغوش شد و رسم وداع مجری داشت و بقربانگاه عشق شتافت و در کمال سرور و حبور جان بیاخت این خبر وحشت اثر چون بگوش پدر رسید آن پیر سالخورده سر بسجود آورد و بشهادت پسر شادمانی و طرب و شکر نامتناهی نمود این یک منقبت از مناقب آن بزرگوارست جمیع اوقات خویشرا بتحمل صدمات و مشقات میگذراند و عاقبت سرگون شد و در اسیری جان بجانان تسلیم نمود و اما حضرت آقا سید محسن در عراق بود و بشرف حضور نیر آفاق مشرف گشت و مدت حیات جان فشان بود و سبب هدایت نفوس عدیده گشت صبور و حلیم بود و شکور و مستقیم تا آنکه سرگون بحدباء گشت و در اسیری تحمل فراق نمود در نهایت فقر پیاده در کمال شوق مناجات کمان از حدباء عازم عکاء شد تحمل صدمات راه نمود صحراها را پیاده پیود بی زاد و توشه در نهایت شوق جان بیاخت حال شما یادگار آن دو بزرگوارید همیشه در خاطرید و این دو زفاف جدید مبارکست متینست مسعود است پر شگونست از الطاف حضرت مقصود امید چنانست که خاندان آن دو بزرگوار الی ابد الآباد مسعود و مبارک و متین باشند جناب میرزا محسن الحمد لله محفوظا مصونا وارد و بآنچه منتهی آمال مقربین است یعنی تقبیل آستان مقدس فائز اجازه حضور خواسته بودند مأذونید و علیکم البهاء الابهی حیفا ۱۰ ربیع الثانی سنة ۱۳۳۸ (عبدالبهاء عباس)